

This is a Persian translation of
Der Papst: die Kaiser der Sächsischen
by Scheumann, Erich
Osch Verlag, Zürich, 1976
Translated by Hossein Ghahramani
Publishing House, Tehran, 2016

اریش شوئرمن

پاپالاگی

خطابه‌های «تویاوی ئی»
از جزایر دریای جنوب (پولی نزی)

تصویرگران

آلفرد شوسلر

ماکسینه فن ارد - شنک

ترجمه‌ی

حسین قدیرنژاد



فهرست مطالب

- ۷ پیش‌گفتار
- ۱۳ دربارهی گوشت‌پوشانی پاپالاگی، دربارهی تن‌پوش و دربارهی زیرانداز
- ۲۵ صندوقچه‌های سنگی؛ بی‌آفتاب و بی‌نسیم
- ۳۹ دربارهی «فلز مدور و کاغذ ضخیم»
- ۵۱ اشیای بسیار پاپالاگی را فقیر می‌کند
- ۶۱ پاپالاگی وقت ندارد
- ۷۱ پاپالاگی نعمت‌های خدا را غارت کرده است
- ۸۱ روح اعظم قدرت‌مندتر از ماشین است
- ۹۱ دربارهی حرفه‌ی پاپالاگی و این‌که چگونه خود را در آن سرگردان می‌کند
- ۱۰۳ دربارهی «زندگی دروغین» و «کاغذهای فراوان»
- ۱۱۵ بیماری خطرناک فکرکردن
- ۱۲۷ پاپالاگی می‌خواهد ما را به درون ظلمات‌اش بکشاند

۱. Tuvalu

۱. خطه‌های تولاوایی، رئیس قبیله تیاوا، از جزایر دریای جنوب حینا این‌که هنوز
ایراد نشده‌اند. به عنوان یک طرح اولیه، به زبان محلی نوشته شده‌اند. ترجمه‌ی
آلمانی براساس این طرح صورت گرفته است.
۲. Polynesian (Polynesia): جزایری که در شرق آسیا و اقیانوس آرام جنوبی واقع شده‌اند.

پیش‌گفتار

اریش شوئرمن
توئیواوی ئی^۱ هرگز بر این نیت نبود که خطابه‌هایش^۲ را برای اروپا منتشر کند، یا که آن‌ها را به چاپ برساند؛ این خطابه‌ها تنها به هم‌وطنان‌اش در جزایر پولی‌نزی^۳ اختصاص داشتند. با این وجود، اگر که من بی اطلاع او، و به‌ویژه برخلاف میل و اراده‌اش، سخنان این بومی را برای خوانندگان اروپایی نقل می‌کنم، به این دلیل است که معتقدم اطلاع از آن‌ها برای ما سپیدها و روشنفکران این سوی دنیا نیز با ارزش است؛ تا بدانیم چشمان انسانی که هنوز وابسته‌ی رابطه‌ای تنگاتنگ با طبیعت است، چگونه فرهنگ ما را مشاهده می‌کند. ما از زاویه‌ی چشمان او، بر خویش نظر می‌کنیم، از آن دیدگاهی که دیگر هیچ‌گاه قادر نیستیم در موضع‌اش قرار بگیریم. تمدن‌گرایان متعصب، شیوه‌ی نگرش او را کودکانه - آری کودکانه - و شاید نیز تمسخرآمیز خواهند دید. اما آنان که عاقل‌تر و متواضع‌ترند، بایستی از رحمت سخنان توئیواوی ئی به وادی تفکر رهنمون و ناگزیر شوند دگرباره بر

1. Tuiavii

۲. خطابه‌های توئیواوی ئی، رئیس قبیله تیاوا، از جزایر دریای جنوب - با این‌که هنوز ایراد نشده‌اند - به‌عنوان یک طرح اولیه، به زبان محلی نوشته شده‌اند. ترجمه‌ی آلمانی براساس این طرح صورت گرفته است.

۳. Polynesien (Polynesia): جزایری که در شرق اقیانوس آرام جنوبی واقع شده‌اند.

خویش نظر کنند؛ زیرا خرد او از آن دیدگاه ساده و بی‌آلایشی سرچشمه می‌گیرد که از خداست و از هیچ دانش اکتسابی به دست نمی‌آید.

این سخنان، بی‌کم‌وکاست، نمایانگر پیامی برای تمام ملیت‌های بدوی جزایر دریای جنوب است، تا خود را از یوغ ملت‌های به اصطلاح متمدن و درخشان قاره‌ی اروپا رها کنند.

«توتیایوی‌ئی»، این ملامت‌گر اروپا، بر این اعتقاد راسخ بود که نیاکان او مرتکب عظیم‌ترین خطا شدند، آن‌گاه که خویش را با نور اروپا روشنایی دادند.

هم‌چون دوشیزه‌ای از «فاگاسا»^۱ که بر فراز آن صخره‌ی بلند، نخستین مُبلغ سپید را با شاخه‌های نخل از خود راند و گفت: «دور شوید ای شیاطین بدکارا!»؛ توتیایوی‌ئی نیز شیطان سیاه‌کار و این اصل ویران‌گر را در اروپا دید که باید خود را در برابرشان حفظ کنیم، اگر که در پی سلامت نفس خویش ایم.

زمانی‌که با توتیایوی‌ئی آشنا شدم، او در صلح و آرامش و به دور از جهان اروپایی در جزیره‌ی کوچک «اوپولو»^۲ از مجمع‌الجزایر ساموآ و در دهکده‌ی «تیواآ»^۳ به‌عنوان رئیس و بزرگ قبیله زندگی می‌کرد. در برخورد نخست، به گول‌پیکر قوی‌بنیه‌ی خوش‌خلقی می‌مانست. بلندایش به دو متر می‌رسید و اعضای پیکرش به شکل غیرعادی محکم و استوار می‌نمودند. برخلاف ظاهرش، صدایی نرم و لطیف داشت، هم‌چون زنی. چشمان درشت‌اش زیر سایه‌ی انبوه ابروان، هاله‌ای افسون‌گر و میخکوب‌کننده داشتند و با شروع یکباره و ناگهانی سخنان‌اش، آتش‌گون و گرم می‌شدند و معترف صفای نورانی و نیت پاک‌اش بودند. هیچ چیز دیگری او را از برادران بومی‌اش متمایز نمی‌کرد. او، مانند دیگران، نوشابه‌ی محلی کاوا^۴ می‌نوشید، شامگاهان و سحرگاهان برای عبادت به

«لوتو»^۱ می‌رفت، موز می‌خورد و آب سیب می‌نوشید. او به تمام سنت‌ها و آداب و رسوم محلی ارج می‌گذاشت. آن‌گاه که در رؤیاهایش فرو می‌رفت و با دیدگانی نیم‌بسته روی تشکچه‌اش لم می‌داد، تنها نزدیک‌ترین اطرافیان معتمدش می‌دانستند که چه چیز، آرام و مداوم در روح‌اش کمال می‌یافت و در جست‌وجوی توضیح‌اش بود. در حالی‌که بومیان، هم‌چون کودکان، عموماً به‌تنهایی در امپراتوری حس‌های خویش غوطه‌ورند، و بی‌که بر خویش، بر دیگران و یا بر محیط نظر دوزند، تنها در عالم اکنون سیر می‌کنند؛ توتیایوی‌ئی از این قاعده‌ی طبیعی مستثنی بود. او سرآمد هم‌نوعان‌اش بود، زیرا که صاحب آگاهی بود - همان نیروی درونی که ما را در اولین نظر از تمامی مردمان بدوی متمایز می‌کند.

توتیایوی‌ئی بنا به این تمایز آشکار، آرزو می‌کرد اروپای دورافتاده را به محک تجربه کشد. این احساس شدید خواستن، از زمانی‌که در کودکی دانش آموز مدرسه‌ی مبلغان مذهبی بود، در وجودش جوانه زد و هنگامی‌که به جوانی رسید، به آرزویش جامه‌ی عمل پوشاند.

توتیایوی‌ئی به گروه هنرمندان فولکلوری پیوست که قصد سفر به اروپا داشتند. او که گرسنه‌ی تجربه بود، تمام کشورهای اروپا را یکی پس از دیگری دید و اطلاعات عمیقی درباره‌ی فرهنگ و هنر آنان اندوخت. من بارها امکان یافتم از نزدیک او را ببینم، او با چه دقتی به جمع‌آوری جزئیات پنهان می‌پرداخت. توتیایوی‌ئی صاحب استعداد عظیمی بود تا آگاهانه و بدون پیش‌داوری مشاهده کند. هیچ چیزی دیدگان‌اش را نمی‌بست، هیچ کلامی قادر نبود او را از حقیقت منحرف کند. او اصل و اساس پدیده‌ها را آن‌گونه می‌دید که گویی در تمامی اوقات دانش‌اندوزی، هرگز جایگاه دیدبانی خود را ترک نمی‌کند.

بی‌توجه به این‌که من عضو هیأت همراه‌اش بودم و بیش از یک سال

1. Fagasa 2. Upolu 3. Tiavea

۴. Kava: نوشابه‌ی محلی ساموآ که از ریشه‌ی بوته‌ی کاوا به دست می‌آید.

۱. Lotto: عبادتگاه، مراسم عبادی.